

# کشتار انقلابیون و زمنده خلق

بدست دولت شاه جنایتکار  
و گوشه دیگری از توطئه های تبلیغاتی مزدوران ساواک

در تاریخ یکشنبه ۳۰ آذرماه سال جاری همزمان با اشغال مقر اوپاک و گروهان گرفتن جمشید آموزگار، وزیر مشاور شاه - ۸ تن از اعضای سازمان مام باعجله و در همان شکجه گاه کمیته مشترک شهربانی و ساواک "تیرباران شدند" رژیم مزدور شاه تنها یکماه بعد از انجام این جنایت در ۴ بهمن - در پوشش توطئه آمیز تبلیغاتی - به آن اعتراف نمود .

انقلابیون شهید در مرداد ماه امسال با سارت دشمن در آمد بودند . آنها از لحظه اسارت تا هنگام شهادت، وحشیانه ترین شکجه های محمد رضا شاه را قهرمانان تحمل کردند و هیچگاه حاضر نشدند به خلق و به طبقه کارگر ایران پشت کنند . آنها فرزندان قهرمان طبقه کارگر بودند که بسر پیمان نشان با خلق استوار ماندند و سرانجام خون پاکشان را نثار انقلاب رها بخش خلق و آرمان های پرشکوه طبقه کارگر نمودند .

مجاهدین شهید عبارت بودند از :

مجاهد شهید وحید افراخته، مجاهد شهید محمد ظاهری رحیمی، مجاهد شهید سید محسن خاموشی، مجاهد شهید محسن بطحائی، مجاهد شهید منیژه اشرف زاد کرمانی، مجاهد شهید ساسان صمیمی بهبهانی، مجاهد شهید مرتضی لیاف نژاد، مجاهد شهید عبد الرضا منیری جاوید .

”شاه چگونه به جنایات روز افزونش اعتراف“  
 ”میکند و چگونه تلاش مزدبوجانسه ای را“  
 ”برای پوشاندن واقعیات“  
”انقلابی جامعه ما بیکار میگیرد“

روز شنبه ۴ بهمن ماه بالاخره دولت شاه جنایتکار اعتراف کرد که ۸ تن از اعضای سازمان ما را در همان روز قتل عام کرده است. اما ادعای سازمان امنیت شاه خائن، جزیک دروغ و جزیک توطئه تبلیغاتی چیز دیگری نبود. رفقای رزمنده مانسه در ماه بهمن، بلکه در شب حادثه اشغال ۲۰ ساعته مقر اوپک در وین (پایتخت اتریش) و گروگان گرفتن جمشید آموزگار - وزیر مزدور کشور - به دست جلادان سازمان امنیت شاه جنایتکار به قتل رسیدند.

وزیر مزدور شاه در روز یکشنبه ۳۰ آذر ماه ساعت دو و ده - دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران به گروگان گرفته شد و در همان ساعات اول، معلوم شد که هدف اصلی این عملیات، آموزگار و زکی یعانی - همتای مزدور دیگرش در عربستان - میباشند. شاه جنایتکار و جلادان سازمان امنیت او بشدت از این عمل بوحشت افتادند. آنها تصور میکردند در این عملیات، انقلابیون ایران نیز شرکت دارند و در مقابل آزادی این مزدور، آزادی رفقای خود را خواهند خواست. با این تصور آنها بالاخره تصمیم میگیرند برای از بین بردن زمینه هرگونه فشار احتمالی در این مورد، این رفقا را در همان شب بقتل برسانند. تمام اطلاعات موثق ما چه از منابع مردمی و چه از منابع وابسته به خود رژیم این خبر را تأیید

• میکند .

بدین ترتیب انقلابیون مابدون آنکه همان تشریفات کذائی  
 دادگاههای فرمایشی درباره آنان اجرا شود؛ درست در شب  
 ۳۰ آذر، در مقابل جوخه آتش قرار داده میشوند . آموزگار  
 نیز بعد از ۴۳ ساعت و در روز سه شنبه ۳ دیماه - با میانجیگری  
 دولت الجزایر و توافق های پنهانی دیگری بین دولت ایران و  
 عملیات کنندگان - آزاد میشود ؛ بدون آنکه انقلابیون ایران  
 در این عمل شرکت داشته و چنین تقاضای رام طرح کرده باشند  
 اما دیگر اخبار این قتل عام شروع به پخش نمود ، بود . اخبار  
 و شایعات مبهمی که همگی اعدام های انقلابی را در همان  
 شب حادثه وین تأیید میکردند ، مرتباً منتشر شده و بسرعت  
 گسترش پیدا میکردند . بدینجهت شاه جلالت و درود ست  
 تبلیغاتچی های سازمان امنیت در روز ۱ دیماه - طی چند  
 سطر کوتاه - اعلام میکنند : " ده تروریست در تهران محکوم به  
 اعدام شدند . " اعلام این خبر بدون هیچگونه مقدمه و خبر  
 قبلی و فقط یک هفته بعد از پایان ماجرای وین ، با وجود  
 آوردن دو جریان نقشه های شاه را برهم میزند . از یکطرف  
 شایعه کشتار قبلی انقلابیون قوت بیشتری میگیرد و همدمها میگویند  
 که این عده را قبلاً اعدام کرده اند و از طرف دیگر اعتراض کشتار  
 از طرف دانشجویان ایرانی محافل مرفعی بین المللی و حتی  
 بورژوازی لیبرال در مخالفت با اقدام جنایتکارانه شاه صورت  
 میگیرد .

دانشجویان ایرانی در شهرهای پاریس (فرانسه) ،  
 آمستردام ( هلند ) ، کلن ( آلمان غربی ) ، مونترال ( کانادا ) ،

دست به اعتصاب غذا زد و تظاهرات وسیعی در پاریس، آمستردام، کلن، واشنگتن، رم و سایر شهرهای اروپا و آمریکا برپا میکند. دانشجویان همچنین سفارت ایران در آلمان غربی را بعنوان اعتراض به جنایت شاه جلاد اشغال میکنند. اتحادیه‌ی دانشجویان آلمان "انجمن دانشجویان آمریکای لاتین"، "سازمان دانشجویان ترک" و "همبستگی خود را با دانشجویان ایرانی در اقدام علیه جنایات شاه اعلام میکنند. کنسولگری ایران در سانفرانسیسکو و سفارت ایران در آلمان غربی با بمب مورد حمله قرار میگیرند. یکی از بزرگترین سندیکا‌های کارگری فرانسه با ارسال تلگرافی به هویسندای قاچاقچی، به این جنایت اعتراض میکند. احزاب سوسیالیست و کمونیست ایتالیا خبر این جنایت را در روزنامه‌های خود و در سندیکا‌های کارگری اعلام میکنند. این احزاب طومارهایی در محکومیت جنایت دولت شاه تهیه کرده و آنرا برای امضاء به کارخانه‌ها میبرند و صد ها هزار کارگر ایتالیائی این طومارها را امضاء میکنند. پنج وکیل حقوقی - که قبلاً به ایران آمد بودند - علیه احکام اعدام موضعگیری کرده و اعمال جنایتکارانه شاه جلاد را محکوم مینمایند. نمایندگان سوسیالیست پارلمان هلند به مجلس با اصطلاح شورای ملی تلگراف میزنند و ضمن ابراز نگرانی از شکجه و کشتار انقلابیون، در قبال حکم اعدام این انقلابیون توضیح میخواهند و ... صدای اعتراض علیه جنایات رژیم شاه از همه‌سودر سطح جهانی بالا میگیرد. شاه قاتل کسمه احمقانه تصور مینمود میتواند هر چه زود تر، خبر چند سطر محکومیت این انقلابیون را در ادگاہ اول بی سروصدا اعلام کند

و چند روز بعد نیز، خبر قطعیت احکام و اعدام آنها را بی سرو صدا ترازیا را اول اعلام کرد و قضیه را فیصله دهد، ناگهان با این اعتراضات گسترده و تقویت این شایعات رو برو شد. بدین جهت بار دیگر تبلیغاتچی‌های رسوای سازمان امنیت شاه دست بکار شدند. آنها سعی کردند یک دادگاه خیالی تجدید نظر از نوع همان دادگاههای رسوای گذشته‌براه بپندازند و با — اصطلاح انعکاس جریانات این دادگاه خیالی در مطبوعات و چاپ مطالب رسواتر دیگری بنام دفاعیات — از زبان رفقای شهید شده، ما — پردمای برجنیایات مخفیانه‌ی خود بکشند و آنرا در پردهٔ قانون — البته همان قانون ضد خلق آریامهری — پیوشانند! اما غناوین و توضیحاتی که سازمان امنیت رسوای شاه، از زبان رزمندگانیکه شهید شده بود، به انقلابیون ایران نسبت داد؛ قبل از آنکه بتواند حتی ذره‌ای از حقانیت راه و هدف انقلابیونی که خون پاکشان رایشخوانه ایمان و صداقت خود قرار دادند، کم کند، باز هم سازمان امنیت شاه و خود شاه جنایتکار را رسواتر کرد.

در واقع باید پرسید: اگر کسانی تا چنین حدی سقسوسط میکنند که بدترین دشمنان ما را به انقلابیون مامید دهند، همان نسبت‌هایی را به رزمندگان جان برکف خلق میدهند که — مزدوران ساواک و خود فروختگان دولت شاه با خشم و وحشیگری تمام به انقلابیون میگویند.

و بالاخره اگر آنها با کمال یشمینان و ندامت و . . . تقاضای عفو و خدمت به رژیم و . . . کرده‌اند پس چرا خون پاکشان بدست جلادان شاه ریخته میشود؟ آیا چنین افرادی خسود

بهترین خادمان دولت شاه و اربابان جنایتکار آمریکائی  
اونیستند ؟

اما شاه و رژیم دست نشانده، اودرمقابل خلق ماسواتر  
از آن هستند که دیگر بتوانند چنین فریبکارپهائی را برای  
پوشاندن جنایات مخفیانه، خود بکار ببرند. آنها رسواتر از  
آن هستند که امید داشته باشند که کسانی هم باشند که گول این  
فریبکارپهائی احمقانه آنها را بخورند. تبلیغات رسوای آنها  
رسواگر بیشتر خود آنهاست.

شاه جنایتکار و دولت دست نشانده، او همچنین اعلام  
کرد هاند که رزمندگان مجاهد ما را بخاطر شرکت آنها در عملیات  
انقلابی اعدام سرهنگان جنایتکار آمریکائی (ها و کینز، شفر،  
ترنر) و همچنین سرتیپ مزد ورساواک - زندی پور - قتل عام  
کرد هاند. بدین ترتیب رژیم شاه جنایتکار یکبار دیگر نشان داد که  
این باصطلاح "خرابکاران" و "تروریست ها" چه کسانی  
هستند !

دولت رسوای شاه نشان داد که این باصطلاح "خرابکاران"  
کسانی هستند که منافع اربابان آمریکائی شاه را مورد تهاجم  
قرار میدهند. منافع طبقه حاکمه، مزد ویران - شاه، دربار  
و سرمایه داران وابسته ایران - را مورد حمله قرار میدهند و هر چه  
آزادی و رهائی خلق ایران را بردوش دارند.

دولت مزد ورشاه نشان داد که این باصطلاح "تروریست ها"  
فرزندان جان برکف خلق اند که راه انقلاب مسلحانه، خلق  
را برای نابودی امپریالیست های آمریکائی و نوکران داخلیشان  
شاه و دارو، بسته حاکم - ایران در پیش گرفته اند. آری اینک

۱۰۱ \_\_\_\_\_ کشتار انقلابیون . . .  
خلق ما و پیشگامان انقلابش سالها و سالها سرکوب خونین  
دولت مزدور شاه را با قهر انقلابی خود پاسخ میدهند .

جاویدان باد خاطره شهیدای بخون خفته خلق  
نابود باد دولت ضد خلقی شاه جنایتکار  
پیروز باد مبارزه مسلحانه ، تنها راه رهائی خلق



www.KetabFarsi.com

# اعتصاب کارگران کارخانه

## سیروئن (ژیان)

رفقای کارگر! هدف ما از بررسی اعتصابات کارگران در کارخانه‌های مختلف در این سلسله مقالات اینست که با تجزیه و تحلیل این اعتصابات، علل پیروزی یا شکست آنها را روشن کنیم تا از جمع‌بندی آنها، قوانین حاکم بر اعتصابات و علل شکست یا پیروزی جنبش خود بخودی طبقه کارگرایران را کشف نمائیم و در اختیار تمام کارگران رزمنده قرار دهیم.

در شماره قبل اعتصاب کارگران کارخانه ایران را مورد بررسی قرار دادیم و عمده‌ترین نتایجی که از آن گرفتیم عبارت بودند از:

۱- رهبری درست و هدایت صحیح نقش مؤثر و تعیین کننده‌ای در ریشبرد اعتصاب دارد و ضعف رهبری علت اصلی شکست مبارزه کارگران بود. است. ضعف رهبری از یکسو نشاندهنده پائین بودن سطح آگاهی کارگران در مبارزه در خواستهای عادلانه، صنفی - اقتصادی آنان است و از سوی دیگر ضعف تشکیلاتی و سازمانی رهبری مبارزه را نشان میدهد. بدین معنا که در جریان اعتصاب مشاهده کردیم که رهبران اعتصاب علت علنی و آشکار بودن از طرف پلیس، شناخته و دستگیر شدند و با دستگیری رهبران، اعتصاب که مغز خود را از دست داد، بهود با شکست مواجه شد. با توجه به این جریان نتیجه گرفتیم که ضعف تشکیلاتی و سازمانی رهبری اعتصاب در درجه



اول ناشی از علنی بودن آن می باشد و بنا بر این آگاه ترین و پیشروترین کارگران باید بطور مخفی و غیر علنی متشکل شده و مبارزه کارگران را هدایت و رهبری کنند .

در عین حال گفتیم که رهبری اعتصاب، شیوه های درستی را هم در جریان اعتصاب بکاربرد . این شیوه های درست عبارت بودند از :

الف - شدت عمل در مقابل کارگران خایه مال و جاسوسان کارفرما که اولاً کارگران مرد را بسوی کارگران اعتصابی جلب میکند و ثانیاً از اعمال خائنانانه و تفرقه افکنانه خایه مالها و جاسوسان جلوگیری مینماید .

ب - هوشیاری و حفظ وحدت کارگران که زمینه را بسرای پیروزی بر تهدیدات و حیل های پلیس فراهم میسازد .

ج - شدت عمل در مقابل کارگرانی که بر اثر فشار ژاندارمه ها مشغول بکار میشوند . این کار نیز از آن جهت درست است که از ایجاد تفرقه و شکاف بین کارگران جلوگیری میکند و وحدت آنها را حفظ مینماید .

۲ - دومین نتیجه بررسی اعتصاب کارگران ایرانا این بود که راه های باصلاح قانونی ( نظیر مذاکره با کارفرما، شکایت به وزارت کار و ... ) برای گرفتن حقوق کارگران اساساً فایده ای ندارد . زیرا دولت سرمایه داری و طبیعتاً وزارت کار حامی سرمایه داران است نه حامی کارگران .

۳ - اعتصاب مؤثرترین شیوه ایست که در چهارچوب مسائل صنفی - اقتصادی کارگران میتواند سرمایه داران را بزانو درآورد .

۴ - هر اقدام حق طلبانه و دستجمعی کارگران و هراعتصاب آنان، بشدت از طرف پلیس سرکوب میشود. چون پلیس - ژاندارم و دیگر دستگاههای اجرائی دولت دست سرمایه - داران و نماینده و حافظ منافع آنان اند.

در این شماره، اعتصاب کارگران کارخانه سیتروئن در بهمن ماه ۱۳۵۲ را برای بررسی انتخاب کردیم که پس از شرح مختصری از اوضاع عمومی کارخانه به آن میپردازیم.

اوضاع عمومی کارخانه: کارخانه سیتروئن که سازنده اتومبیلهای ژیان است در جاده کرج قرار دارد. سرمایه - ثبت شده کارخانه ۴ میلیون تومان و متعلق به یک سرمایه دار فرانسوست. مدیر عامل آن نیز یک فرانسوی بنام "آلفرد آیسه" است. میزان تولید کارخانه ۱۱۵ اتومبیل در روز است که نسبت به سال ۶۵۴۵۲ دستگاه افزایش یافته است. این اتومبیلها بجز موتور و سایر قطعات آن در این کارخانه ساخته میشود.

تعداد کارگران این کارخانه ۲۰۰۰ نفر است که ۵۰۰ نفر آنها در کارگاهها کار میکنند و ۵۰۰ نفر نیز کارگران متفرقه (باغبان، سرویسکار ماشین، کارگر ساختمانی و...) هستند. حداقل مزد کارگرانی که در کارگاه کار میکنند روزانه ۲۲/۵ تومان است (کارخانه در سال ۵۲ - سالی که اعتصاب مورد نظر در آن سال اتفاق افتاد - ۱۰۰۰ نفر کارگر داشت که حداقل حقوق آنها ۱۱ تومان در روز بود) کارخانه در نوع کارگردارد: کارگران شیفتی و کارگران روزکار.

الف - کارگران روزکار عبارتند از کارگران مونتاز کار و جوشکار و... که تا بیستانه ۶ صبح الی ۴ بعد از ظهر روزمستانها ۷ صبح

الی ۵ بعد از ظهر کار میکنند . ( که فقط نیم ساعت وقت نه‌هار خوردن دارند ) .

ب - کارگران شیفتی که کارگران نقاش، نقطه جوشکار و پرس‌کار میباشند، در دو شیفت صبح و شب کار میکنند . شیفت صبح در زمستانها، ۶ صبح الی ۴ بعد از ظهر و تابستانها، ۷ صبح الی ۵ بعد از ظهر و شیفت شب در زمستانها، ۸ شب الی ۶ صبح و تابستانها، ۹ شب الی ۷ صبح است که کارگران در شیفت با هم تعویض میشوند .

در مورد سود کارخانه در سال ۵۲ کارگری میگفت: " ما بعینہ می بینیم که کارفرما برای هر اتومبیل بیش از ۸ تا ۱۰ هزار تومان خرج نمیکند و در حقیقت از هر اتومبیل ۸ تا ۱۰ هزار تومان سُرُ خالص به جیب خود میریزد (\*). حالیکه این پول محصول دسترنج ماست . "

سود ویژه‌ای که امسال بکارگران داده اند در حدود ۵ ماه و ده روزالی ۵ ماه و ۱۵ روز بود هاست .

اقدامات کارگران قبل از دست زدن با اعتصاب : کارگران این کارخانه نیز ابتدا برای رسیدن بحقوق خود، راه باصطلاح قانونی را در پیش گرفتند و به نمایندگان خود برای مذاکره با کارفرما فشار آوردند . آنها فکر میکردند که از طریق مطرح کردن خواسته‌های خود بوسیله " نمایندگان شان، شکایت به وزارت کار و ... خواهند توانست به حقوق خود دست یابند . ولی در عمل

( \* ) - اتومبیل ژیان در سال ۵۲ بین ۱۶ تا ۱۸

هزار تومان بفروش میرسید .

مشاهد کردند که کارفرما بکمک نمایندگان وزارت کار چگونه آنها را سرمید واند و امروز و فردا میکنند و چگونه سعی میکنند با وعده و وعید آنها را از فکر رسیدن به اندکی از حقوق خود باز دارند. آنها بعد از مدتی فعالیت مشاهده کردند که کارفرما کوشش میکند تا از طریق این مذاکرات و تقاضاهای آنها را کاهش داده و با دادن امتیازات کمی موضوع را منتفی سازد. اما وقتی همه راههای باصطلاح قانونی از مذاکره با کارفرما تا شکایت به وزارت کار نتیجه‌ای نداد و کارگران فهمیدند که ادامه این شیوه‌ها فقط بنفع کارفرما است و بجای کارگران این کارفرما است که از آن سود میبرد، تصمیم به اعتصاب گرفتند. در این میان ناله‌های خائنانانه مزدوران و وابستگان کارفرما که راههای باصطلاح قانونی را تبلیغ میکردند در مقابل اراده کارگران آگاهی که حاضر نبودند حقوق خود را از کارفرما گدائی کنند، فایده‌ای نداشت. ناله‌های زبونانه کارگران ناآگاهی که گول کارفرما و عمالش را خوردند و راههای مسالمت آمیز را تبلیغ مینمودند نیز نمیتوانست جلوی خشم کارگرانی را که فشار زندگی و شدت ظلم و ستم سرمایه‌دار جانشان را به لب رسانده بود، بگیرد. نغمه‌های ضد کارگری از قبیل: "مذاکره بهترین راه رسیدن به خواسته‌ها - یمان است." و "به وزارت کار شکایت کنیم تا کارفرما حقمان را بدهد." که مستقیماً از طرف جاسوسان، مزدوران و وابستگان کارفرما در صف متحد کارگران تبلیغ میشد، نتوانست کاری برای کارفرما صورت دهد و جلوی اعتصاب را بگیرد. چرا که کارگران با تجربه خود دریافتند:

راههای باصطلاح قانونی ( نظیر مذاکره با کارفرما، شکایت

به وزارت کار و ۰۰۰) برای گرفتن حقوق کارگران قاید هند ارد زیرا دولت سرمایه داری ایران و طبیعتا وزارت کار بعنوان جزئی از همین دولت حامی سرمایه داران است نه حامی کارگران .  
کارگران درك کردند حق گرفتنی است نه دادنی :

با این ترتیب کارگران با طرح مشخص درخواستهای عادلانته شان ، دست باعتصاب زدند ، خواهسته های کارگران عبارت بودند از :

۱ - افزایش سود ویژه به پنج ماه در سال .  
سود ویژه ایکه در سال ۵۱ به کارگران داده شده بود برابر ۳ و ماه دستمزد شان بود و کارفرما قصد داشت این مقدار را افزایش دهد .

۲ - اخراج رئیس کارگرنی : این فرد به بهانه های مختلف از کارگران رشوه میگرفت و از آنها اخاذی و باج خواهی میکرد .

شرح جریان اعتصاب : در این اعتصاب کارگران سه بار و در مجموع ۵ روز دست از کار کشیدند . این بزرگترین اعتصابی بود که تا آن موقع در این کارخانه برآه افتاده بود . در مورد وسعت و شدت آن کارگری میگفت : " من اولین باری بود که چنین اعتصابی را بخود دیدم " .

در جریان اعتصاب ، کارگرانی که با اعتصاب مخالفت می کردند و قصد رفتن به سرکار داشتند از طرف کارگران دیگر کتک خوردند . دلیل کارگران مخالف با اعتصاب بظاهرا این بود که " اعتصاب را کارفرما راه میاندازد تا برای ما که میخواهیم بطور قانونی ( مسالمت آمیز ) بخواسته هایمان برسیم سدی ایجاد کند

بدین صورت وقتی ما به دولت، وزارت کار و وزیر کار شکایت میکنیم  
 بما بگویند چون این کارتان خلاف قانون است بنا براین دیگر  
 حقی ندارید. "متجربین در مدتی که اعتصاب ادامه داشت  
 ژاندارمها بمحل آمده و کارخانه را در محاصره خود گرفتند.  
 فشار کارگران و شدت اعتصاب باعث میشود که کارفرما با  
 پرداخت ۴ ماه سود ویژه موافقت کند ولی کارگران از قبول این  
 پیشنهاد خودداری میکنند و در مقابل حرف یکی از نمایندگان  
 رفرمیست (۱) (۲) که گفته بود "بیاید و با همین ۴ ماه موافقت  
 کنید و بسلامتی شاهنشاه هورا بکشید و بروید سرکار." همگی  
 میگویند: "مانه هورا میکشیم و نه با ۴ ماه موافقت میکنیم. اگر  
 سود ویژه از ۵ ماه حتی یک روز کمتر باشد نمی پذیریم."  
 وقتی نمایندگان کارگران برای مطرح کردن تقاضاهای  
 کارگران با وزیر کار ملاقات میکنند، وزیر کار به آنان میگوید:  
 "شما (یعنی کارگران) آیا میدانید چه موقع دست به این کار

- 
- (۱) - احتمال ضعفی در مورد ساواکی بودن این نماینده وجود دارد.  
 (۲) - رفرمیست یعنی کسیکه صرفاً به طرق مسالمت آمیز و سازش-  
 کارانه میخواهد کار را اصلاح کند که البته همیشه بلکه عمدتاً -  
 این کار امکان ندارد. اما در اینجا منظور ما از نماینده رفرمیست  
 نماینده ای است که برای حفظ منافع خود میخواهد ای  
 برخوردی بین کارگران و کارفرما روی نداده و به نحو سازشکارانه  
 آنها را آشتی دهد. چراکه در غیر این صورت - یعنی در صورت  
 هرگونه برخورد و تصادم بین توده کارگران و کارفرما - به حال  
 موضع نقش رهبری چنین نماینده سازشکاری به خطر خواهد افتاد.

غیرقانونی (اعتصاب) زد هاید؟ موقعیکه ایران از جانب عراق مورد تجاوز قرار گرفته (\*) ۰ شما با آنان چه فرقی دارید ۰ آنان در مرزها اخلا لگری میکنند شما در داخل "سپس خطاب به نمایندگان میگوید: "شما پس چه کاره هستید؟ شمائی که نتوانید ۱۰۰۰ نفر کارگر را آرام نگه دارید بدرد نمایندگی نمیخورید ۰ پس بهتر است استعفای خود را بنویسید ۰" سپس نمایندگان را وادار میکند که استعفا بدهند و از دفتر وزیر کار بیرونشان میکنند ۰ پس از این جریان، وزارت کار تهدید کرد که در صورت ادامه اعتصاب، همه کارگران را باپرداخت فقط ۵ روز مزد برای هر سال سابقه کار اخراج خواهند کرد ۰

کارگران که قبلاً خرابکار! اخلا لگر! خائن! و ۰۰۰ خوانده شده و عملاً در معرض سرکوب خونین دولت شاه جنایتکار قرار گرفته بودند؛ با این تهدید خطر بیکاری و قطع شدن نانشان نیز رو برو شدند ۰ بخصوص که این تهدید مستقیماً "بوسیله" دولت ضد کارگری صورت میگرفت و هرگونه مقاومت در برابر آن، خطر بخاک و خون کشاندن کارگران را - که قبلاً "با وصل کردن کارگران به بیگانه زمینهاش هم فراهم شده بود - بوسیله نیروهای جنایتکار دولت ضد خلقی افزایش میداد ۰

دولت ضد خلقی شاه تهدید میکرد که کارگران را باپرداخت فقط ۵ روز دستمزد برای هر سال سابقه کار بیرون کرده و هرگونه مقاومتی را شدیداً "سرکوب خواهد کرد ۰ این تهدیدها

(\*) - اتفاقاً "اعتصاب باز و خورد مرزی ایران و عراق

مصادف شده بود ۰

برای کارگران بمعنای آن بود که در مقابل گرفتن پول ناچیزی باید از سابقه کار خود چشم پوشی کرده و بمانند يك کارگرتازه کار و پساً حد اقل در ستمزد در کارخانه هائی دیگر مشغول بکار شوند و ایسـن تازه در صورتی بود که آنها بتوانند باتوجه به اصطلاح سابقه<sup>۱</sup> بدشان ونداشتن با اصطلاح رضایتنامه از کارفرما و باتوجه بسـه اینکه استعمار وحشیانه<sup>۲</sup> کارفرما فرسودشان کرده بسود<sup>۳</sup> در کارخانه دیگری کارگیر بیاورند<sup>۴</sup> . این تهدید به معنای آن بود که هرگونه مقاومت در مقابل ظلم و ستم کارفرما، زن و فرزندانشان را از سرپرست و نان آور محروم خواهد کرد و<sup>۵</sup> . باتوجه به این چشم انداز، کارگران که نیروهای سرکوبگرد و لت جنایتکار را پشتوانه<sup>۶</sup> این تهدیدهای ضد کارگری میدیدند، تسلیم شدند و باین ترتیب بزرگترین اعتصاب "کارگران کارخانه سیتروئن" بساً در حالت مستقیم دولت شاه مزدور بطور کامل شکست خورد<sup>۷</sup> .

بعد از اعتصاب روحیه های مایوس کارگران کاملاً محسوس بود و بنظر میرسید آنها برایشان شکست از مبارزه برای گرفتن حقوق خود سرخورد و ناامید شده اند<sup>۸</sup> . (۱) کارگران رفرمیست نیز بر اثر عدم موفقیت بشدت مایوس شده بودند بطوریکه یکی از آنان گفت: "من غلط بکنم اگر ایندفعه نماینده شوم<sup>۹</sup> ."

وزارت کار و کارفرما هم از این شکست سوءاستفاده کردند و برای اینکه کارگران را بطور کلی نسبت باعتصاب بد بین و از مبارزه

(۱) - البته این فقط میتواند يك اشرف وقت باشد همانطور که از آنزمان تاکنون چندین اعتصاب دیگر نیز در این کارخانه بسراه افتاده است<sup>۱۰</sup> .



برای گرفتن حقوقشان منصرف کنند وزیرکار، اعلام کرد که بخاطر عمل غیرقانونی شما (کارگران) و جبران خسارت کارفرما (۱) امسال فقط یکماه سود ویژه بشما پرداخت میگردد و بس.

۱۵ اسفند خودم (وزیرکار) میآیم و آنرا میپردازم. (۱)

پس از تمام شدن اعتصاب ساواک نیز بکمک کارفرما آمد و هر روز ۱۰ تا ۲۰ نفر از کارگران مبارز را احضار میکرد تا از یکسو فعالین و عاملین اصلی اعتصاب را بشناسد و از سوی دیگر با تهدید و ترساندن آنها را از فعالیت برای برآه انداختن اعتصاب مجدد و یا شرکت در اعتصابات بعدی بازدارد.

اماد رسهائی که این اعتصاب میآموزد :

اولین درس - در این کارخانه نیز یکبار دیگر ثابت شد که راههای باصطلاح قانونی برای گرفتن حقوق کارگران جز بیبراهه نیست. این بیراهه را کارفرما و عوامل مزد ورا و نیز وزارت کار حامی سرمایه دارها به کارگران نشان میدهند تا آنها را از پیوند راههای درست برای گرفتن حقوقشان بازدارند. بررسی استدلال مدافعان شیوههای باصطلاح قانونی بخوبی ماهیت این شیوهها را روشن میکند. آنها میگویند: "اعتصاب را کارفرما راه میاندازد

(۱) - البته کارفرما و وزارت کار جرأت نکردند چنین کاری بکنند چون عوارض خشم کارگران نسبت به این جنایت، برایشان قابل پیش بینی نبود. در آنسال سه ماه سود ویژه بکارگران پرداخت شد و کیهان هم در تاریخ ۱۹ اسفند همانسال نوشت: "وزیرکار و امور اجتماعی ۲۲ میلیون ریال سود سهام کرد. کارگران کارخانه جاسیتروئن راطی يك فقره چك به آقای رسولیان نمایندگانه کارگران تسلیم کرد."

تا برای ما که میخواهیم بطور قانونی (مسالمت آمیز) بخواسته‌هایمان  
برسیم سدی ایجاد کنند که وقتی ما به دولت، وزارت کار و وزیر  
کارشکایت میکنیم بمانگویند چون این کارتان خلاف قانون است  
بنابراین دیگر حقی ندارید.

هر کارگر آگاه و رزمنده‌ای براحتی میتواند دریابد که گفتن  
چنین حرفهائی یا ناشی از خیانت آشکار به طبقه کارگر است  
و یا بر اثر جهالت و ناآگاهی مطلق.

آیا کارفرما خودش اعتصاب راه میاندازد؟

یک حساب سرانگشتی نشان میدهد که کارفرما در این  
اعتصاب حداقل ۲ میلیون تومان سود از دست داده است.  
براحتی میتوان فهمید که کارفرمایی که برای استعمار بیشتر  
کارگران و دست آوردن سود بیشتر از هیچ جنایتی رویگردان  
نیست، خودش اعتصاب راه نمیاندازد تا بخودش ضرر بزند.  
جریان اعتصاب هم مشاهده کردیم که کارفرما برای پایان دادن  
به اعتصاب و سرکوب آن از وزارت کار و زندان امری کمک گرفت و  
پس از پایان اعتصاب برای پیداکردن محرکین و فعالین  
اعتصاب ساواک را به کارخانه آورد و این بروشنی نشان میدهد که  
کارفرمانه تنها اعتصاب راه نمیاندازد بلکه برای جلوگیری از آن  
حاضر است دست به هر توطئه‌ای بزند و هر جنایتی را مرتکب شود.  
با توجه به این واقعیت‌های روشن باید پرسید چرا چنین حرفهائی  
زده میشود؟

بنظر ما این حرفه‌ها یا بر اثر ناآگاهی و نشناختن ماهیت  
سرمایه‌داری یا برای پوشاندن ماهیت تجاوزگر و استعمارگر  
اوردده میشود.

آیاد ولت شاه، وزارت کار و وزیر کار حامی کارگران است کسد حقوق آنها را از کارفرما بگیرد؟

برای پاسخ به این سؤال کافیت فقط بد جریان همین اعتصاب توجه کنیم. وزیر کار، کارگرانی را که برای گرفتن اندکی از حقوق خود اعتصاب کرد، مانند، اخلا لگروخائن بد وطن بنامد و برای جبران با اصطلاح ضرر کارفرما از این حقوق کارگران خود داری میکند. وزارت کار برای شکستن اعتصاب کارگران را تهدید بد اخراج و بیکاری میکند و زائد امری برای سرکوب کارگران، کارخانه را محاصره میکند و ساواک برای پیدا کردن محرکین اعتصاب، کارگران را بزند ان میبرد و شکجه میکنند. وقتیکه فقط در یک اعتصاب، دولت شاه خائن اینهمه اعمال ضد کارگری انجام میدهد، باید پرسیم این دولت راحامسی کارگران وانمود کردن چه دلائلی دارد؟ دولت ضد کارگری شاه خائن راحامی کارگران وانمود کردن یا ناشی از شناختن ماهیت ضد خلقی آنست و یا برای پوشاندن ماهیت ضد کارگری آن. باتوجه به این واقعیتهای آشکار چه کسانی میگویند:  
"اعتصاب را کارفرما برآه میاندازد تا نگذارد وزارت کار حقوق کارگران را بگیرد."

همه کارگران این عده را میشناسند. این عده اگر خائن به طبقه کارگر نباشند و خود را به کارفرما و رژیم نفروخته باشند، مطمئنا جاهلند و کمترین آگاهی نسبت به ماهیت کارفرما و رژیم ندارند.

کارگرانی که بعینه میبینند چگونه کارفرما برای بدست آوردن سود بیشتر از هیچ جنایتی روگردان نیست؛

کارگرانی که حمایت عینی وزارت و وزیر کار را از کارفرما میبینند؛  
و کارگرانی که جنایات دولت ضد کارگری شاه خائن علیه  
کارگران و همه زحمتکشان ایران را مشاهده میکنند؛

هیچگاه فریب چنین حرفهای خائنانه و احمقانه‌ای را نمیخورند  
عناصر خود فروخته‌ای که میخواهند با این قبیل حرفه‌ها  
کارگران مبارز و ناآگاه را گول بزنند و در صف یکپارچه کارگران  
حق طلب شکاف و تفرقه ایجاد کنند بوسیله کارگران مبارز و  
آگاهی که برای گرفتن حقوق خود مصمم اند رسوا خواهند شد.  
کارگران مبارز ماهیت این عناصر را برای بقیه کارگران افشا  
میکند و آنها را با تنبیه و کتک از صفوف خود طرد مینمایند و  
وحدت خود را برای رسیدن به حقوقشان حفظ خواهند کرد.  
( کاری که کارگران مبارز ایران و نیز سیتروئن کردند )

دومین درس - اعتصاب مؤثرترین حربه برای به زانو  
درآوردن کارفرما است. ممکن است عده‌ای بگویند: "درست  
است که کارگران از مذاکره با کارفرما بجائی نرسیدند و لسی حُب  
می بینیم که اعتصاب هم نتیجه‌ای نداد" است. بنابراین چه فرقی  
است بین مذاکره و اعتصاب؟

در جواب این عده باید بگوئیم مگر در جریان همین اعتصاب  
کارفرما مجبور نشد با دادن چهار ماه سود ویژه موافقت کند؟  
آیا در جریان مذاکره کارفرما حاضر بود چنین امتیازی  
بکارگران بدهد؟ (\*) اگر درست است که کارفرما حاضر نبود از

---

(\*) - برای اینکه اهمیت امتیازی که کارگران بدست آورده  
بودند، بیشتر روشن شود کافیست از یکطرف توجه کنیم به اینکه  
←

۱۱۵ \_\_\_\_\_ اعتصاب سیتروئن  
طریق مذاکره مقدارسود و یژه کارگران رانسبت به سال قبل  
د و برابرکنند پس باید نتیجه بگیریم که علت شکست کارگران  
بیهوده بودن اعتصاب نیست بلکه علت دیگری دارد که اگر آن  
علل را شناخته و رفع کنیم آنگاه پیروزی اعتصاب و بزاند آمدن  
کارفرما حتمی است.

سومین درس - نقش ضد کارگری دولت شاه : در این اعتصاب  
نقش رژیم ضد خلقی شاه خائن در سرکوب کارگران بخوبی قابل  
مشاهده است . کارگران برای رسیدن به خواستههای خود به  
وزارت کار شکایت میکنند ، نتیجهای نمیگیرند . بنا براین  
خودشان برای گرفتن اندکی از حقوق خود دست بکار شده و  
اعتصاب میکنند .

→ کارگران همین کارخانه در سال ۵۳ و پس از اینکه یکبار دیگر دست  
با اعتصاب زدند بالاخره توانستند تنها به سه ماه و نیم سود و یژه  
دست پیدا کنند و از طرف دیگر توجه کنیم به این واقعیت که هنوز  
کثیر کارخانههای است ( حد اکثر چند کارخانه ) که کارگران آن ۴ ماه  
سود و یژه میگیرند .

در ضمن موفقیت کارگران در گرفتن سود و یژه بیشتر ، مسلماً  
ناشی از مبارزه خود آنان است . اینکه کارگران این کارخانه ،  
امسال ، ۵ ماه و نیم سود و یژه دریافت کرده اند و اینکه در بعضی  
از کارخانههای دیگر نیز سود و یژه از ۴ ماه تجاوز کرده است مستقیماً  
ناشی از مبارزه کارگران این کارخانهها ، مستقیماً ناشی از  
مبارزه کارگران همین کارخانه و حتی ناشی از همین  
اعتصاب شکست خورده آنان است .

وزارت کار که قبلاً کاری برای کارگران صورت نداد بود، در جهت شکست دادن اعتصاب و جلوگیری از به ثمر رسیدن آن دست بکار میشود. ژاندارمری نیز کارخانه را محاصره میکند تا اگر وزارت کار در توطئه‌های خود موفق نشد ژاندارمها کارگران را سرکوب کنند. وزیر کار برای تأمین منافع کارفرما (که در اینجا مستقیماً و عمدتاً یک سرمایه‌دار خارجی است) شخصاً آستین بالا میزند، کارگران را اخلاصاً لگروخائن و ضد وطن مینامد.

نمایندگان کارگران را بی‌عرضه و ... خطاب میکنند و ادراشان میکنند که استعفا بدهند (چرا؟ چون نتوانسته بودند جلوی اعتصاب حق‌طلبانه کارگران را بگیرند!) بالاخره با تهدید بیکاری کارگران را وادار میکنند که به سرکارشان برگردند. "معینی مزدور" میگوید: "چون کارفرما در جریان اعتصاب ضرر کرده و خسارت دیده است! بنا براین بیش از یکماه سود ویژه به کارگران داده نمیشود." و در آخر ساواک هم وارد میدان میشود و کارگران را برای بازجویی، تهدید و شکنجه احضار میکند. من — بینیم که چطور عمده‌اجزاء رژیم از وزارت و وزیر کار تا ژاندارمری و ساواک برای حفظ منافع کارفرما بسیج شدند و به توطئه چینی برای سرکوب کارگران پرداختند. بهتر است یکی از توطئه‌ها را بیشتر توضیح بدهیم:

وزیر کار! میگوید: "آیا شما میدانید که چه موقع دست باین کار غیرقانونی (اعتصاب) زده‌اید؟ موقعیکه ایران از جانب عراق مورد تجاوز قرار گرفته. شما با آنان چه فرقی دارید؟ آن‌ها در رمزهای ما اخلاصاً لگروخائن میکنند و شما در داخل." وزیر کار! با وقاحت کامل یک مزدور خود فروخته و یک دشمن قسم خورده

طبقه کارگر، اعتصاب حق طلبانه، کارگران را به بیگانه نسبت  
 میدهد. آنانرا تحریک بیگانه وانمود میکنند. کارگران حق طلب  
 را خائن، اخلا لگرو مزدور بیگانه مینامد. چرا؟ برای اینکه دست  
 رژیم ضد خلقی را برای سرکوب کارگران باز کند. برای اینکه  
 اگر این اعتصاب اوج بیشتری گرفت و حکمبوشان دولت شاه  
 جنایتکار مانند اعتصاب حق طلبانه، کارگران جهان چیت و یسا  
 بعد ها اعتصاب کارگران کارخانجات نساجی شاهن آن را بخاک  
 و خون کشیدند و در آنها کارگر حق طلب را بار بار مسلسل‌های  
 آمریکائی - اسرائیلی کشتند؛ بگویند: "آنها اخلا لگر بودند،  
 با عراقیها ارتباط داشتند، خرابکار بودند!" ولی آیا رژیم  
 موفق میشود با این توطئه‌ها جنایات خود را پیرود پوشی کند؟  
 مسلماً نه! گوش کارگران، دهقانان و عمه، زحمتکشان خلق  
 ما از این یاوه‌های وقیحانه پراست. خلق ما بارها و بارها از  
 طریق دستگاههای د روغ پراکنی رژیم (رادیو، تلویزیون  
 و...) دیده و شنیده است که بهترین فرزندان مبارز خلق و  
 انقلابیون راستین را به بهانه فریاد حق طلبانه شان و بجزم  
 دفاعشان از منافع خلق بانام "خرابکار"، "تروریست" و... اعدام  
 کرده‌اند. خلق ما بارها مشاهده کرده است که چگونه اعتصابات  
 کارگران و تظاهرات دانشجویان را با همین تهمتها بخاک و خون  
 کشید هاند. پس از اینهم هراقدام حق طلبانه خلق ما با همین  
 تهمتها سرکوب خواهد شد ولی چه باک! خلق ما راه خود را برای  
 گرفتن حقوق خود پیدا کرده است و آنرا تا به آخر خواهد پیمود.

خلاصه کنیم:

دولت سرمایه‌داری رژیم شاه مزدور یعنی دستگاه حمایت و

حفاظت از غارت و جنایت امپریالیستهای آمریکائی و سرمایه داران وابسته به آنها، یعنی دستگاه حمایت از استثمار و حشیانه کارگران توسط سرمایه داران خونخوار داخلی دولت شاه، یعنی دستگاه سرکوب کارگران و همه زحمتکشان خلق ما.

درس چهارم — نمایندگان کارگران و نقش آنها :

نماینده کارگران، همانطور که از اسمش برمیآید، فردی است که از طرف کارگران انتخاب میشود تا به نمایندگی از طرف همه کارگران از حقوق صنفی آنان در رابطه با کارفرما دفاع کند. اگر کارگری بوسیله کارفرما اخراج میشود، نماینده با اشکاء بدیشتیبانی کارگران باید از این امر جلوگیری کند. نماینده کارگران باید بهداشتی ترکردن محیط کار را بعنوان یکی از حقوق صنفی مورد تقاضای همه کارگران بر کارفرما تحمیل کند. اگر خسارت جانی یا مالی متوجه کارگری شد، او باید جبران کامل آن خسارت را از کارفرما و دولت پی گیری کند و بنا بر این تنها وظیفه نماینده، دفاع از حقوق کارگران است. هر قدر او این وظیفه خود را بهتر انجام دهد کارگران نیز بیشتر از او حمایت خواهند کرد. طبیعتاً است که نماینده برای بهتر انجام دادن وظایفش باید از هر وسیله و شیوه ای کمک بگیرد. در این میان مؤثرترین شیوه ای که میتواند کارفرما را به زانو درآورد اعتصاب است و بنا بر این نماینده واقعی کارگران هیچگاه از بکار بردن این حربه برای شکست دادن کارفرما نباید ترسی به خود راهد. او باید از این مؤثرترین شیوه در مبارزه صنفی برای گرفتن حقوق کارگران استفاده کند. او باید خودش در موقع ضرورت دستور اعتصاب بدهد و کارگران را با آگاهی و تجربه ای که دارد برای گرفتن



حقوقشان هدایت کند و مبارزه شان را با اتکا به برشتیانی ای که از او می‌کنند تا پیروزی کامل به پیش برد . اینها وظائف يك نماینده فداکار و واقعی کارگران است .

ولی بینیم کارفرما و دولت ضد کارگر چه انتظاری از نماینده دارند ؟ باز هم "معینی مزدور" میگوید : "شما ( یعنی نمایندگان کارگران ) پس چکاره هستید ؟ شعای که نتوانید . . . انفرکارگر را آرام نگه دارید بدرد نمایندگی نمی‌خورید . پس بهتر است استعفا بدهید . " آری ، اینست انتظار روزی که کارگران از نظر "معینی" این مزدور خود فروخته و اربابان دیگرش ، شاه و طبقه حاکمه ، نمایندگی کارگران کسی است که بتفع کارفرما و رژیم سرمایه داری شاه خائن عمل کند ، نه بتفع کارگران . از نظر این دشمنان قسم خوردی طبقه کارگر ، نمایندگی کارگران کسی است که به جای ایستادن جلوی کارفرما ، جلوی خواسته های به حق کارگران بایستد و آنان را از گرفتن حتی اندکی از حقوقشان منصرف کند . از نظر دولت ضد کارگری شاه جنایتکار نمایندگی کارگران کسی است که جلوی اعتراضات و اعتصابات حق طلبانه ی کارگران را بگیرد . با چنین انتظاراتی از نمایندگی کارگران ، کارفرما و وزارت کار و دولت همیشه سعی میکنند از انتخاب نمایندگان واقعی کارگران جلوگیری کنند . آنها نمایندگی واقعی کارگران را "بی صلاحیت" قلمداد کرده و افراد خود فروخته را به جای نمایندگی کارگران جا میزنند . آنها حتی گاه وقاحت را به انجام می‌رسانند که ساواکیها و عناصر غیر کارگر را بنام نمایندگی به کارگران تحمیل میکنند . ولی با همه ی این توطئه ها وقتی نمایندگانی که قبلاً مورد تأیید وزارت کار هم بودند ، موفق نمیشوند جلوی

اعتصاب کارگران را بگیرند، آنها را مجبور به استعفا می‌کنند. مثلاً در همین کارخانه نمایندگی کارگران را چند ساواکی و چند نفر از کارگران رفرمیست بعهدہ داشتند ولی وقتی آنها با همسایه‌ی کوششی که برای جلوگیری از اعتصاب کردند نتوانستند جلوی کارگران را برای گرفتن اندکی از حقوقشان بگیرند و اعتصاب براه افتاد، وزیر کار مزدور آنها را بی‌عرضه خطاب کرد و وادارشان نمود که استعفا بدهند.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود: با توجه باینکه رژیم نمایندگی کارگران را فقط در خدمت منافع خود می‌خواهد آیا کارگران باید از انتخاب نمایندگی منصرف شوند؟ بنظر ما نه. انتخاب نمایندگی واقعی کارگران یکی از حقوق صنفی مسلم کارگران است (\*) که آنها باید برای رسیدن به آن مبارزه کنند. کارگران باید از انتخاب ساواکیها و کسانی که خود را به کارفرما فروخته‌اند بعنوان نمایندگی کارگران جلوگیری کنند و نمایندگی واقعی خود را که قادر باشد از حقوق آنها دفاع کند به کارفرما و رژیم تحویل نمایند. ولی آیا همه کارگران مبارز باید برای نمایندگی شدن کوشش کنند و نمایندگی بشوند؟ بنظر ما باز هم نه. چونکه نمایندگی کارگران شدن و دفاع علنی از حقوق کارگران مساوی است با شناخته شدن بوسیله کارفرما و رژیم و این برخلاف نتیجه‌ای است که مسا از بررسی

(\*) - این حق آنقدر طبیعی است که رژیم هم مجبور شده است آنرا به رسمیت بشناسد اگر چه در عمل سعی می‌کند آنرا اجرا نکند.

اعتصاب سیتروئن  
 اعتصاب ایرانا گرفته بودیم (\* ) بنا براین چه کسانی باید برای  
 نمایندگی شدن فعالیت کنند ؟

همیشه در هر کارخانه عد های هستند که در عین حال که  
 افراد مبارزی هستند، در عین حال که برای گرفتن حقوق خود شان  
 و همه کارگران مبارزه میکنند و حاضر نیستند بهیچ قیمتی با کارفرما  
 سازش کرده و خود را بفروشند، در عین حال نمیتوانند بطور مخفی  
 مبارزه کنند. این عد ه قادر نیستند هم مبارزات کارگران را رهبری  
 کنند و هم اعمال خود را از چشم کارفرما، جاسوسان کارفرما و  
 حفاظت کارخانه پنهان دارند. فقط چنین کارگران مبارزی  
 باید برای نمایندگی شدن فعالیت کنند و نه هر کارگر مبارزی،  
 کارگر مبارزی که میتواند بطور مخفی با کارفرما و دولت مبارزه  
 کرده و مبارزه‌ی کارگران را هدایت کند، هیچگاه نباید خود را به  
 کارفرما و رژیم بشناساند.

آیا این نتیجه گیری بدان معناست که رهبران مخفی اعتصاب  
 نباید در مبارزات علنی کارگران شرکت کنند؟ اینطور نیست.  
 چنین رفقائی فقط باید وظیفه‌ی رهبری و هدایت اعتصاب را بطور  
 مخفی بعهده داشته باشند وگرنه آنها نیز باید در ره‌اعتصاب و  
 در هر مبارزه‌ی علنی کارگران مانند هر کارگر مبارز و پیشرو دیگر  
 شرکت کنند. زیرا اصولاً فقط با شرکت در اینگونه اعتصابات

(\* ) - در بررسی اعتصابات ایرانا نتیجه گرفته بودیم که رهبری  
 و هدایت اعتصابات و مبارزات کارگران باید به صورت مخفی و  
 غیرعلنی باشد تا از شناخته شدن و ضربه خوردن بوسیلهٔ  
 کارفرما و رژیم در امان باشد.

قیام کارگر و مبارزات است که می‌توانند شرائط مبارزه را بدرستی ارزیابی کرده و نتایج کارگران را صحیحاً هدایت کنند. منتهی رهبری و هدایت مبارزه‌ی کارگران، حل مسائلی از قبیل بهترین شرایط برای شروع اعتصاب، طرح بهترین شعارها و تاکتیکها، حفظ وحدت کارگران، سازماندهی مبارزه و اعتصاب و... وظائفی هستند که باید بطور مخفی انجام شوند و کارفرما و رژیم بهیچوجه نباید کارگران آگاه و پیشروی را که انجام این وظائف و رهبری مبارزه را بعهده دارند، بشناسند.

خلاصه کنیم:

- الف - انتخاب نماینده از حقوق مسلم کارگران است که رژیم ضد کارگری هم مجبور شده است آنرا به رسمیت بشناسد.
- ب - رژیم سعی میکند علیرغم به رسمیت شناختن این حق کارگران، با جازدن ساواکیها و خایمه‌الها بجای نمایندگان واقعی کارگران، "نمایندگی" را بوسیله‌ای بر ضد کارگران تبدیل کند.
- ج - کارگران باید برای انتخاب نماینده واقعی خود مبارزه کنند و توطئه‌های کارفرما و رژیم را که میخواهند مزدوران خود را به جای نماینده کارگران جا بزنند، بی اثر سازند.
- د - همه کارگران مبارز نباید با نماینده شدن خود را به کارفرما و رژیم بشناسانند. کارگرانی که میتوانند بطور مخفی مبارزه کارگران را هدایت کنند، هیچگاه نباید با کارهایی از قبیل نمایندگی شدن خود را به کارفرما و رژیم بشناسانند. فقط کارگران مبارزی که قادر نیستند بطور مخفی فعالیت کنند باید در مبارزات کارگران بطور علنی شرکت کرده و رهبری علنی مبارزه

راد دست بگیرند .

د رسیب نجم - علت شکست اعتصاب : برای پی جوئی مهمتر  
 علت های شکست اعتصاب وجود اطلاعات کافی و دقیق و هم  
 جانب های از چگونگی شروع اعتصاب و ریز حوادثی که در طی آن  
 رخ داده ضروری است تا بتوان علت های شکست اعتصاب را دقیقاً  
 مشخص کرد و ولی همین اطلاعات ناکافی ما نیز میتواند اصلترین  
 دلیل شکست اعتصاب را روشن کند .

برای اینکار جریان اعتصاب را بطور خلاصه مورد توجه قرار  
 مید هیم :

پس از انجام مذاکرات بی حاصل با کارفرما و وزارت کار برای  
 افزایش سود ویژه و بیرون کردن رئیس کارگری، کارگران دست  
 به اعتصاب میزنند . در جریان اعتصاب مخالفین که میخواهند  
 در صفوف کارگران تفرقه بیندازند بوسیله کارگران اعتصابی کتک  
 میخورند . تا اینجا اعتصاب خوب پیش رفته است و به همین دلیل  
 کارفرما اجباراً با پرداخت ۴ ماه سود ویژه موافقت میکنند .  
 کارگران این مقدار سود ویژه را نمی پذیرند . کارفرما و رژیم که  
 حاضر به دادن امتیازی بیشتر از این نیستند پس از رد این  
 پیشنهاد بوسیله کارگران با تهدید بیرون کردن کارگران  
 اعتصاب را با شکست مواجه میسازند .

اکنون باید پرسید اصلی ترین علت شکست اعتصاب چه بود ؟  
 آیا شکست اعتصاب بدلیل کم تجربگی مبارزاتی کارگران بود ؟  
 بدلیل این بود که آنها برای اولین بار دست به اعتصاب زده  
 بودند ؟ نه . زیرا کارگران علیرغم بی تجربگی مبارزاتی و با اتحاد  
 و همبستگی خود مبارزه را تا آنجا پیش بردند که کارفرما را مجبور

کردند مقدار سود ویژه را د و برابر کنند .

آیا اعتصاب باین دلیل شکست خورد که کارفرما برای از بین بردن نطفه‌ای که بوجود آمده بود حاضر نشد خواسته‌های آنها را بر آورد کند ؟ و یا بدلیل حمایت شدید دولت از کارفرما بود ؟ باز هم نه . چون کارفرما علیرغم همه مقاومتش و علیرغم حمایت شدید دولت از او مجبور شد باین اخت چهار ماه سود ویژه به کارگران موافقت کند .

پس علت شکست اعتصاب چه بود ؟ بنظر ما ضعف رهبری اعتصاب و مبارزه کارگران اصلیت‌ترین دلیل شکست این اعتصاب بود . این ضعف رهبری درست در آنجائی مشخص شد که کارگران پیشنهاد ۴ ماه سود ویژه را رد کردند .

بررسی شرایط کارگران از یکطرف و کارفرما از طرف دیگر بخوبی نشان میدهد که رد این پیشنهاد درست نقطه آغاز شکست اعتصاب بوده است .

۱ - این اولین اعتصاب در این کارخانه بود و این امر از جنبه‌های زیر بر موضوعگیری کارگران ، کارفرما و دولت تأثیر میگذاشت .

الف - خود آگاهی طبقاتی کارگران : اولین و مهمترین تأثیر این بود که کارگران این کارخانه تا آنزمان در هیچ مبارزه و اعتصاب همگانی و جمعی شرکت نکرده و قدرت طبقاتی خود را عملاً آزمایش نکرده بودند . آنها نسبت به قدرت همبستگی و اتحاد خود ، آگاهی و ایمان ( \* ) نداشتند و نمیدانستند که

( \* ) - البته این "آگاهی و ایمان به قدرت طبقاتی" و عبارت ←

کارفرما چقدر در مقابل قدرت جمعی آنها زبون و بیچاره است . جنبه دیگر این مسأله آشنا نبودن کارگران به شیوه های مبارزه بود . آنها بدلیل کم تجربگی ، با عکس العمل کارفرما و دولت آشنا نبودند . آنها نمیدانستند که فلان یا بهمان تهدید کارفرمای دولت چقدر قابل اجرا است و آنها چکار میتوانند بکنند تا این تهدیدها را بی اثر سازند . نگاهی به اعتصاب بعدی کارگران این کارخانه ( در اسفند ۵۳ ) بخوبی این مسأله را روشن میکند . در این اعتصاب کارگران در مقابل اقدامات کارفرما عکس العمل های درستی نشان میدهند و مثلاً مامشاهد میگیرند که وقتی کارفرما برای اینکه از آمدن کارگران به کارخانه جلوگیری کند ، سرویس را تعطیل میکند ؛ کارگران با جمع کردن پول از بین خود شان ، ماشین کرایه کرده و به کارخانه می آیند و . . .

ب - رابطه بین رهبری و کارگران : رهبری مبارزه و اعتصاب ، در جریان مبارزه کارگران بوجود می آید ، تجربه پیدا میکند و صلاحیت رهبری را بدست می آورد و در عین حال در همین جریان نیز موفق میشود اعتماد کارگران را جلب کند . یعنی کارگران وقتی مشاهده کنند رهبری ، منافع آنها را در نظر میگیرد و تصمیماتش بنفع کارگران است و . . . به آن اعتماد میکنند . صلاحیت ، آگاهی رهبری و اعتماد متقابل بین رهبری و کارگران از جمله مسائلی بود که تحت تأثیر کمبود تجربه

دیگر " شعور طبقاتی " نسبی است و به تناسب مبارزه طبقه کارگر برای گرفتن حقوقش افزایش مییابد .

اعتصاب و مبارزه در این کارخانه قرار میگرفت. (\*)

ج - مقاومت بیشتر کارفرما و دولت : از طرف دیگر کارفرما و دولت نیز برای این اعتصاب بعنوان "اولین اعتصاب کارخانه" ستروشن "حساب خاصی باز میکردند. آنها حساب میکردند اگر بطور کامل در مقابل کارگران عقب نشینی کنند و به همه خواسته‌های آنان تن دهند، بقول خودشان "کارگران پیرو خواهند شد." و از آن به بعد دیگر نمیتوانند جلوی کارگران بایستند و آنها را کنترل کنند. کارفرما و رژیم حساب میکردند که پیروزی کامل کارگران در این اعتصاب باعث خواهد شد که کارگران از آن پس برای رسیدن به هر تقاضای خود اعتصاب کرده و تولید را متوقف کنند. (\*\*)

۲ - بالا بودن سطح درخواستهای کارگران : دو برابر و نیم شدن سود ویژه یکبار و آنهم در یک اعتصاب (اولین اعتصاب) چیزی بود که تا آن موقع سابقه نداشت. بطوریکه تن

(\*) - ما این مسأله را در شماره آینده و در بررسی اعتصاب کارگران کارخانه قرقه زبا مفصلاً توضیح خواهیم داد.

(\*\*) - اگر چه این پیش بینی کارفرما و رژیم درست است ولی از آن نتیجه عکس نمیتوان گرفت. یعنی اگر چه پیروزی اعتصاب باعث تقاضاهای بیشتر و اجگیری مبارزه کارگران بر اساس آگاهی بیشتر آنها بر قدرت و حقوق واقعیشان میشود ولی شکست اعتصاب بمعنای پایان گرفتن مبارزه کارگران برای رسیدن به حقوقشان نیست. همانطور که در این کارخانه هم با شکست این اعتصاب، مبارزه کارگران متوقف نشد و پس از آن چندین اعتصاب پیروز در آن بر راه افتاد.



دادن به آن برای کارفرما و رژیم بسیار مشکل بود که در عین حال این اشکال هم از جهت تاثیر چنین پیروزی بر جریان مبارزه کارگران بود و هم از جهت منافع زیادی که کارفرما از دست میداد. اگر باین مسأله تقاضای اخراج رئیس کارگری را که از عمال کارفرما و ساواک بود اضافه کنیم معلوم میشود که پیروزی کامل کارگران در این اعتصاب چه تأثیرات مهمی بر نفع کارگران و به ضرر کارفرما و دولت — بر جو مبارزاتی کارخانه میگذاشت.

آیادر چنین شرایطی از بی تجربگی نسبی مبارزاتسی کارگران و مقاومت بیش از حد کارفرما و رژیم در پیشنهاد ۴ ماه سود ویژه کارغلطی بود؟ آری. در این پیشنهاد کارغلطی بود که به شکست کامل اعتصاب منجر شد. ولی چرا؟

واضح ترین دلیل غلط بودن رد این پیشنهاد این است که دیدیم کارفرما و رژیم بهمان دلائلی که گفتیم (با اصطلاح پررود شدن کارگران و کم شدن منافع کارفرما و...) حاضر نشدند بیشتر از آن امتیازی به کارگران بدهند و بعلاوه سختگیری بیشتری کردند و حتی همین امتیازها را نیز پس گرفتند و چون رهبران اعتصاب نتوانستند ارزیابی درستی از نیروهای خود و جنبه مقابل یعنی کارفرما و دولت بکنند و به موقع عکس العملها درستی در قبال اقدامات آنها نشان دهند اعتصاب شکست خورد.

دلیل دیگر غلط بودن رد این پیشنهاد، در نظر نگرفتن شرایط کارگران در آن زمان بود. پیروزی اعتصاب در همان حدی افزایش سود ویژه به ۴ ماه در آن شرایط تأثیرات بسیار مثبتی بر کارگران داشت (\*). چرا که این پیروزی قابل توجهی بود و برابر

(\*) یا ورقی در صفحه بعد.

شدن سود ویژه، روحیه مبارزاتی کارگران را شدیداً تقویت میکند. به آنها نشان میداد که شدت عمل در مورد خایه مالها و جاسوسان کارفرما چه نتایج مثبتی در جهت پیروزی اعتصاب دارد. مستقیماً بعنوان يك تجربه بآنها نشان میداد که اعتصاب تنه‌اراه به زانو درآوردن کارفرماست. پیروزی و نتایج عملی اعتصاب، کارگران مرد در راه سمت کارگران اعتصابی جلب میکرد و جبهه رفرمیستها و طرفداران مذاکره با کارفرما و طرفداران کارفرما را ضعیف مینمود و مهمتر از همه آنها را نسبت به قدرت جمعیشان مؤمن میکرد و همبستگیشان را تقویت مینمود و . . .

در چنین صورتی، با بهره‌گیری از نتایج مثبت این پیروزی، مبارزه کارگران برای رسیدن به بقیه خواسته‌هایشان در شرائط بهتری میتواند ادامه پیدا کند. ( \* \* )

متقابلاً شکست کامل این اعتصاب ( همانطور که دیدیم ) نتایج منفی بسیاری بدنبال داشت. کارگران را از مبارزه برای گرفتن حقوقشان مأیوس و سرخورده کرد. ناباوری آنها را

پاورقی از صفحه قبل.

( \* ) — این همان چیزی بود که کارفرما و رژیم باد و راندیشی از آن میترسیدند.

( \* \* ) — اعتصاب کارگران کارخانه قرقه زیبا از این نظر قابل توجه است. کارگران این کارخانه با برآه‌انداختن چندساعت اعتصاب در طی یکماه توانستند بتدریج بتمام خواسته‌هایشان دست یابند. ما این اعتصاب را در شماره آینده "قیام کارگر" بررسی خواهیم کرد.

اعتصاب سیتروئن \_\_\_\_\_  
 نسبت به قدرت جمعیشان زیاد کرد و برعکس قدرت کارفرما را  
 بیش از آنچه که بود به آنها قبولاند. به خصوص که رژیم و کارفرما  
 از این فرصت حد اکثر استفاده را کردند و با اعلام اینکه بیش  
 از یکماه سود ویژه به آنها نخواهند پرداخت، یأس آنها را از  
 مبارزه برای گرفتن حقوقشان دامن زدند و بدینسان شان را نسبت  
 به نتایج اعتصاب بیشتر کردند.

اکنون میتوان پرسید: "رهبری اعتصاب" چه کار باید  
 میکرد؟ او باید مثل رهبری هراعتصاب دیگری به سئوالات زیر  
 پاسخ میداد:

عکس العمل کارگران در مقابل کسانیکه با اعتصاب مخالفند  
 میکنند چه باید باشد؟

کارگران با خایه مالها و جاسوسان رژیم چه رفتاری باید  
 داشته باشند؟

کارگران چه شعارهایی باید در طول اعتصاب بدهند؟  
 اگر ژاندارمها به کارگران حمله کردند آنها چه عکس العملی  
 باید نشان بدهند؟

اگر چند تن از رفقای مبارز آنها دستگیر شدند آنها چگونه  
 باید از رفقای اسیر خود حمایت کنند؟

اگر کارفرما پیشنهادی مطرح کرد و خواست امتیازاتی کمتر  
 از آنچه مورد تقاضای کارگران است، بد آنها بدهد کارگران چکار  
 باید بکنند؟

اگر کارفرما تهدید کرد که عدای با همه کارگران را اخراج  
 میکند آنها چه باید بکنند؟ و ...

اینها و سئوالاتی از این قبیل را رهبری اعتصاب میباید

از قبل و یاد جریان اعتصاب پاسخ دهد . پاسخ به این سئوالات باید با توجه به شرایط کارگران ، کارفرما و دولت داده شود . یعنی باید در نظر گرفته شود که کارگران تا چه حد آمادگی برای ادامه اعتصاب دارند . تجربه و همبستگیشان چقدر است و یا کارفرما تا چه حد حاضر است به کارگران امتیاز دهد و رژیم تا چه حد از کارفرما حمایت میکند و ... در ضمن پاسخ به این سئوالات و نیز دلائل کارهایی که میکنند باید برای همه کارگران روشن باشد . یعنی اگر گفته میشود که باید خایه مالها را کتک بزیم ، کارگران باید بدانند چرا ؟ یا اگر گفته میشود ، کارگرانی که حاضر نیستند با اعتصابیون همکاری کنند باید کتک بخورند ، کارگران باید بدانند چرا ؟ اگر گفته میشود تقاضای ما اخراج رئیس کارگزی است ، کارگران باید بدانند این تقاضا بدلیل رشوه خواری رئیس کارگزی یا ساواکی بودن او و ادیت کارگران بوسیله اوست . همینطور همه مسائل اعتصاب باید برای کارگران روشن باشد . ( \* )

( \* ) - وقتی می گوئیم این مسائل باید برای کارگران توضیح داده شود منظور این نیست که رهبری اعتصاب باید بطور علنی این کار را بکند و مثلاً جلسه عمومی تشکیل دهد و برای کارگران تعلق کند . این کارها باید بطور مخفی صورت گیرد ( مثلاً همان نجواه های درگوشی ، صحبت های حساب شده با عناصر مظلمن و پسران انداختن يك موج توضیحی و تبلیغی . برای اینکار حتی از راههای دیگری مثل نوشتن شعار بر روی دیوار ، چسبانیدن اعلامیه به دیوار ، یا پخش اعلامیه ... بطور مخفی نیز میتوان استفاده کرد . این کارها را در ضمن کارگرانی که بطور علنی

باتوجه به اوضاع و شرایط کارخانه در آن زمان، در صورتیکه اعتصاب از رهبری درستی برخوردار بود، مسلماً میتوانست بایدست آوردن پیروزی قابل توجهی پایان یابد. اگر رهبری اعتصاب قادر به تشخیص شرایط بود، اگر بی تجربه‌گی کارگران را مورد توجه قرار میداد و اگر مقاومت کارفرما و حمایت شدید رژیم را از او در نظر میگرفت به پیروزی در همان حد قناعت میکرد. این پیروزی اگرچه همه آن چیزی نبود که کارگران خواستارش بودند ولی رهبری اعتصاب میتواند با بهره برداری از همین پیروزی با استفاده از روحیه بهتر کارگران و آگاهی بیشتر آنها بر قدرت جمعی و حقوق واقعی‌شان، مبارزه را برای رسیدن به همه تقاضاهای کارگران ادامه دهد.

متأسفانه رهبری اعتصاب - با اینکه توانست برخی از وظایف خود را انجام دهد - در حساسترین موقعیت نتوانست اوضاع نیروهای خود (کارگران) و نیروهای دشمن (کارفرما و دولت) را به درستی ارزیابی کرده و تصمیم درستی اتخاذ کند. یعنی رهبری با اینکه توانست برخی از مسائل، نظیر کتک زدن عناصر مزدور و جاسوس، بکار بردن خشونت برای جلب کارگران مردد و ... را حل کند ولی نتوانست پیشنهاد کارفرما را در مورد دادن ۴ ماه سود ویژه مورد ارزیابی صحیح قرار دهد و

---

مبارزه میکنند میتوانند صورت دهند (مثلاً "بوسیله" نمایندگان واقعی کارگران که قبلاً "توضیح دادیم) البته با هدایت رهبری مخفی مبارزه و اعتصاب.

شکست اعتصاب نیز از همین عدم ارزیابی یا ارزیابی نادرست آغاز شد و بدین ترتیب اعتصاب که در یک مرحله خوب پیش رفته و کارفرما را مجبور به عقب نشینی کرده بود، بدلیل "ضعف رهبری" با شکست رو برو شد.

آیا اینکه میگوئیم کارگران میبایست با چهار ماه سود ویژه موافقت میکردند بمعنای اینست که تقاضای ۵ ماه سود ویژه بطور کلی یک تقاضای افراطی بوده است؟ نه! سرمایه داران داخلی و خارجی با حمایت رژیم شاه جنایتکارانچنان از کارگران و زحمتکشان خلقمان بهره کشی میکنند و آنچنان حقوق خلق ما را مورد تجاوز قرار میدهند که هیچ محدودیتی برای مبارزهٔ خلقمان قابل قبول نیست. اینکه میگوئیم کارگران باید ۴ ماه سود ویژه را می پذیرفتند بمعنای این نیست که آنها میبایست مبارزه شان را در همان حد متوقف کنند؛ بلکه پذیرفتن ۴ ماه سود ویژه فقط بعنوان یک پیروزی مرحله ای و بعنوان یک قدم برای ادامهٔ بلافاصلهٔ مبارزه و رسیدن به بقیهٔ خواسته های کارگران میتواندست قابل قبول باشد.

آیا کارگران باید تقاضاهای خود را محدود به آمار کسبی کارفرما برای دادن امتیاز بکنند؟ و آیا کارگران باید هر پیشنهاد کارفرما را بپذیرند؟ باز هم نه. محدودیت تقاضاهای کارگران را فقط مجموعهٔ شرائط کارخانه، شرائط مبارزاتی کارگران و مقدار آمار گیهای ذهنی و... تعیین میکنند و نه فقط خواست و تمایل کارفرما. مسلماً کارفرما دلش میخواهد هر چه کمتر حقوق کارگران را به آنها بدهد و این کارگران هستند که باید هر چه بیشتر حقوقشان را بزور از حلقم کارفرما بیرون بکشند.

همینطور قبول بعضی از پیشنهادهای کارفرما هم فقط با توجه به شرایط مبارزه و اعتصاب و فقط بعنوان تاکتیکی برای ادامه مبارزه میتواند پذیرفتنی باشد نه اینکه هر پیشنهاد جزئیسی کارفرما را بپذیریم و دست از مبارزه بکشیم .

\* \* \*

کارگران این کارخانه در اسفند ۵۳ نیز برای دریافت ۵ ماه سود ویژه دست به اعتصاب زدند . این اعتصاب ، از یکسویه روشنی حرکت رو به جلوی مبارزه صنفی - اقتصادی کارگران ( در اینجا مبارزه کارگران این کارخانه ) را نشان میدهد و از سوی دیگر صحت تحلیل های ما را از این حرکت ( و از اعتصاب اسفند ۵۳ کارگران همین کارخانه ) اثبات میکند . از این جهت ما گزارش مختصر این اعتصاب را بدوین هیچگونه تحلیلی در اینجا میآوریم .

گزارش مختصری از :

اعتصاب کارگران کارخانه سیتروئن

در اسفند ماه ۱۳۵۳

کارگران این کارخانه در سال ۵۳ نیز برای افزایش سود ویژه به ۵ ماه با کارفرما وارد مذاکره شدند ولی چون کارفرما حاضر نشد به تقاضاهایشان پاسخ مثبت بدهد ، کارگران در هفته آخر اسفند ۵۳ دست به اعتصاب زدند . همه کارگران کارخانه ( مجموعاً ۵۰۰ نفر ) در این اعتصاب شرکت داشتند . در جریان اعتصاب نمایندگان کارگران با رفتن به وزارت کار ، تلفن زدند به مجلس ، مذاکره نمایندگی کارفرما و . . . به فعالیتهای خود ادامه میدادند .

در روز سوم اعتصاب، کارفرمایان کارخانه را تعطیل کرده و کارگران را به داخل کارخانه راه نمیدهند و حتی برای جلوگیری از تجمع کارگران سرویسها را نیز تعطیل میکنند. ولی کارگران با وسایل مختلف و با جمع کردن پول و کرایه‌ی ماشین، خود را به کارخانه رسانده و پشت در آن جمع میشوند. در همین روز ژاندارمها نیز به کارخانه آمدند و آنها را محاصره میکنند تا از هرگونه عکس‌العمل خشن کارگران جلوگیری کرده و آنها را سرکوب کنند.

در این میان وزارت کار باین بهانه که اقدام کارگران غیرقانونی است با اضافه شدن سود ویژه مخالفت کرده و اعلام میکند که با پرداخت بیش از سه ماه سود ویژه به کارگران موافقت نخواهد کرد. کارگران تصمیم میگیرند پیاده از کارخانه به وزارت کار رفته و تقاضاهای خود را مستقیماً طرح کنند. بالاخره وزارت کار بعزت فشار کارگران، مجبور میشود با پرداخت سه ماه و نیم سود ویژه با اضافه‌ی عیدی (۲۰ کیلو برنج، روغن و ۱۰۰۰) موافقت کند بشرطی که ۱۵ روز آن بطور غیررسمی و از طرف کارفرمایان پرداخت شود. کارگران در روز ۲۷ اسفند این پیشنهاد را پذیرفته و به اعتصابشان پایان میدهند. ولی کارفرمایان از پایان اعتصاب از دادن عیدی که با مبلغ هر هفتصد هزار تومان میشد خودداری میکنند.



کارگران این کارخانه در سال ۵۳ هـ.مجموعاً ۱۴ روز دست از کار کشیدند و به قول خود شان چهارده میلیون و پانصد و شصت هزار تومان ( ۱۴/۵۶۰/۰۰۰ ) به کار فرما ضرر زدند. (\*)

گسترده تر باد اعتصابات حق طلبانه‌ی کارگران  
نا بود بناد دولت سرمایه داری شاه - بنایتکار

\* \* \*  
\* \* \*  
\* \*  
\*

---

(\*) - قیمت هراتومبیل ۱۶۰۰۰ تومان ، تولید کارخانه در هر  
روز ۶۵ اتومبیل ، بنا بر این :

تومان  $14560000 = 16000 \times 65$

## نوطه های سرمایه داران

### سود ویژه

و

### ماهیت واقعی آن

در بررسی تحلیلی "اعتصاب کارگران کارخانه‌ی سیتروئن" همه جا از سود ویژه بعنوان جزئی از دستمزد کارگران و بعنوان یکی از حقوق مسلم آنان نام بردیم و مبارزه‌ی کارگران را برای گرفتن این قسمت از دستمزدشان مبارزه‌ی عادلانه توصیف نمودیم.

در حالیکه دولت شاه خائن چنین تبلیغ میکند که گویا "سود ویژه امتیازی است که سرمایه داران به کارگران میدهند تا آنها راحت تر زندگی کنند"، گویا "سرمایه داران سود ویژه را برای رفاه بیشتر کارگران به آنها میدهند"، گویا "سود ویژه جایزه‌ای است که سرمایه داران در مقابل بالا رفتن بهره‌وری تولید، به کارگران میدهند" و "و بدین ترتیب و با وارونه جلوه دادن حقایق چنین نتیجه میگیرد که درخواست اضافه شدن سود ویژه از طرف کارگران یک تقاضای بی‌مورد و یک درخواست نامشروع است و مبارزه برای رسیدن به این خواسته نیز مبارزه‌ای با اصطلاح غیر قانونی است! و کارگران فقط در مقابل بالا بردن "بهره‌وری تولید" و بیتشرکردن

"سود سرمایه دار" میتوانند انتظار را لا رفتن سود ویژه داشته باشند . ( \* )

### اما واقعیت چیست ؟

کارگران واقعیت را با پوست و گوشت خود لمس میکنند و با مبارزه خود این واقعیت را اعلام مینمایند . آنها در جریان زندگی پر از مشقت خود بخوبی میفهمند که سود ویژه قسمتی از مزد آنهاست که بدون آن ، همین زندگی مشقت بار نیست برای آنها غیر ممکن میشود . آنها با مبارزه خود به یاره های تبلیغاتی رژیم پاسخ میدهند و اورا افشاء میکنند .

ولی واقعیتی که کارگران در جریان زندگی شان لمس میکنند و میفهمند مسلماً "توضیح علمی مشخص نیز دارد" . این توضیح علمی چیست ؟ یعنی چرا سود ویژه جزئی از دستمزد کارگران است و چرا سرمایه داران این جزء از دستمزد کارگران را به چنین اسمی ( سود ویژه ) نام گذاری میکنند و چنین وانمود میکنند که گو یاد آرند هدیه ای به آنها میدهند ؟ برای پاسخ به این سؤال ، ما در ابتدا چند واقعیت دیگر را مورد توجه قرار میدهیم و سپس ماهیت واقعی "سود ویژه" را توضیح داده و تبلیغات فریبکارانه دولت سرمایه داری شاه خائن را افشاء میکنیم .

رابطه بین نیروی کار کارگران و مزدی که میگیرند :

آیا سرمایه دار بهای واقعی نیروی کار کارگران را به آنها

( \* ) - علاوه بر سخنرانیهای شاه ضد کارگر ، گزارش سخنرانیهای "معینسی مزدور" که در همین شماره قیام آمده بروشنی یاره گوی رانشان میدهد .

میبرد از د؟ نه . چرا که می بینیم با وجود اینکه تولید ، مستقیماً محصول و ثمره کار کارگران است ولی سرمایه داران فقط جزئی از بهای تولید را به آنها میپردازند و اصولاً اگر سرمایه دار بهای نیروی کار کارگران را تمام و کمال به آنها میپردازد آنگاه معنای وجود بیش از دست میداد چرا که وجود سرمایه دار وابسته است به استثمار کارگران و دزدیدن از نیروی کار آنها .

آیا سرمایه دار نیروی کار کارگران را به بهایی که دلش بخواهد میخرد؟ و مزد کارگران از هیچ مقیاس و معیاری برخوردار نیست؟ باز هم نه . چون می بینیم که مزد کارگرانی که در کارخانه های مختلف و بوسیله سرمایه داران مختلف استثمار میشوند تفاوت چندانی با هم ندارند و تقریباً با هم برابرند . یعنی مثلاً " مزد کارگر تراشکاری که در کارخانه سیتروئن کار میکند و استثمار میشود با مزد کارگر تراشکار دیگری که در کارخانه ایران ناسیونال کار میکند و استثمار میشود ، تقریباً برابر است .

بنابراین اگر سرمایه دار بهای واقعی نیروی کار کارگران را به آنها میدهد و در عین حال مزد کارگران به دلخواه سرمایه دار تعیین نمیشود ، باید پرسیم : سرمایه دار در مقابل استفاده و استثمار از نیروی کار کارگران ، چه مقدار به آنها میپردازد ؟ به عبارت دیگر : سرمایه دار نیروی کار کارگران را ، به چه بهایی میخرد ؟

سرمایه داران آنقدر به کارگران مزد میدهند که آنها بتوانند با تأمین حداقل احتیاجاتشان به زندگی بخور و نمیر خود ادامه دهند .

یعنی کارگران آنقدر مزد میگیرند که هم بتوانند نیروی راکه

در حین کار کردن صرف میکنند جبران کنند و هم حد اقل زندگی را برای زن و بچه‌شان فراهم کنند؛ تا هم بتوانند روز دیگر در کارخانه حاضر شده و دوباره توسط سرمایه‌دار استثمار شوند و هم نسل "ارتش کار" - این منبع استثمار سرمایه‌دار - قطع نشود \*

نگاهی به زندگی پر از مشقت طبقه کارگر؛ این واقعیت که کارگران حتی برای یک روز زندگی خود پس‌انداز ندارند؛ این واقعیت که کارگران حتی اگر یک روز کار نکنند نمیتوانند چرخ زندگی خود را بچرخانند و حتی برای یک روز زندگی بدون کار هم تأمین ندارند، به روشنی نتیجه گیری بالا را نباید میکنند.

تقسیم مزد حقیقی به "مزد رسمی" و "سود ویژه"؛

اما آیا مزد رسمی که کارگران بطور روزانه دریافت میکنند برای تأمین حداقل احتیاجاتشان - حوراک، مسکن، پوشاک و ... - کافی است؟

بانهایی به زندگی طبقه کارگری بینیم که پاسخ این سؤال منفی است. مقروض بودن همیشگی کارگران ثابت میکند که مزد رسمی و روزانه آنها کفاف حداقل احتیاجاتشان را هم نمیدهد. کافی نبودن دستمزد کارگران برای تأمین حداقل احتیاجاتشان چگونه جبران میشود؟ کارگرانی که پرداخت قسرض - هایشان را همیشه به گرفتن سود ویژه حواله میدهند، کارگرانی

---

\* - این نتیجه گیری "قانون آهنین مزد ها" نامیده میشود. ما در سلسله مقالات "در سپاهی از اقتصاد سیاسی" مفصلاً به نحوه و تحلیل آن خواهیم پرداخت.

که قسمتی از احتیاجات اولیه و اساسی زندگیشان — خورد و خوراک، مسکن، پوشاک و ... — را از سود ویژه تأمین میکنند، پاسخ این سؤال را بخوبی میدانند. آنها در زندگی بر از رنج و زحمت خود، با پوست و گوشتشان لمس میکنند که اگر سود ویژه‌ای که میگیرند نباشد، ادامه همین زندگی بخور و نمیر هم برایشان غیر ممکن میشود.

با توجه به این بحث میتوانیم نتیجه بگیریم:

اولاً "دستمزد روزانه" کارگران برای تأمین حتی حداقل زندگی یک کارگر کافی نیست.

ثانیاً "سود ویژه" دستمزدی است که کافی نبودن دستمزد رسمی روزانه را برای تأمین حداقل احتیاجات روزانه جبران میکنند. بنابراین مزد رسمی روزانه با اضافه سود ویژه مساویست با حداقل دستمزدی که کارگران برای تأمین زندگی بخور و نمیر خودشان احتیاج دارند.

از طرف دیگر گفتیم: "سرمایه‌دار همیشه فقط مزدی به کارگر میدهد که کارگر با آن مزد بتواند حداقل زندگیش را تأمین کند." پس نتیجه میگیریم:

"سرمایه‌دار حداقل دستمزدی را که میتواند به کارگران بدهد در قسمت به آنها میپردازد، یک قسمت را بصورت مزد رسمی روزانه و یک قسمت را بصورت سود ویژه."

این نتیجه گیری را شیوه پرداخته شدن "سود ویژه" بوسیله بعضی از سرمایه‌داران نیز تأیید میکند. این سرمایه‌داران "سود ویژه" را بصورت روزانه و بصورت درصدی از دستمزد

رسمی به کارگران میپردازند. (\*) با درك این مسئله ما میتوانیم بسیاری از واقعیت‌های را که در جامعه ما وجود دارد تحلیل کنیم. مثلاً عدای میپرسند چرا کارگران ساختمانی - عملدها و ... - و کارگرانی که در کارخانه‌ها کار نمی‌کنند بیشتر از کارگران صنعتی مزد میگیرند؟ پاسخ این سؤال با توجه به نتیجه گیری فوق بسیار روشن است: کارگران ساختمانی و یا بطور کلی کارگران غیرصنعتی باین دلیل مزد بیشتری از کارگران صنعتی میگیرند که مزد شان به دو قسمت "مزد رسمی" و "سود ویژه" تقسیم نمیشود و آنها مزدی را که برای تأمین حداقل زندگی شان احتیاج دارند یکجا و بطور روزانه دریافت میکنند. "سود ویژه" یکی دیگر از توطئه‌های سرمایه داران:

اکنون و با این مقدمات میتوانیم سؤال اصلی را مورد توجه قرار دهیم: چرا سرمایه داران دست مزد کارگران را در دو قسمت به آنها میدهند؟

دولت شاه خائن چنین عنوان میکنند که گو یادادن "سود

(\*) - مثلاً "در کارخانه کفش ملی" پرداخت سود ویژه کارگران باین ترتیب انجام میشود و مثلاً "کارگری که ۱۴ تومان مزد میگیرد، ۴ تومان نیز بعنوان سود ویژه باو میدهند. یعنی در حقیقت مزد واقعی چنین کارگری ۱۸ تومان در روز است."

(۱) - اگر مسأله سروس، نهار، لباس کار و ... را هم در نظر بگیریم اختلاف مزد این دو گروه از کارگران بهتر تحلیل میشود.

ویژه" بدکارگران برای بالا بردن بازدهی کار است. (۱۰) کویا برای اینست که کارگران خودشان را به اصطلاح در سود کارخانه شریک ببینند و برای حفظ ماشینها و مواد خام و بالا رفتن مقدار تولید و در نتیجه بالا رفتن سود بکوشند. ولی این حیلها تنها عدای از کارگران ناآگاه را و آنها هم حد اکثر برای مدت کوتاهی میتواند فریب دهد و کارگران خیلی زود میفهمند که "سود ویژه" بهیچوجه رابطهای با سود واقعی کارخانه ندارد. سودی که سرمایه داران هیچگاه آنرا اعلام نمیکنند. (۱۱) این را، هم شیوه پرداخت سود ویژه به آنها میفهمانند و هم برخورد عینیشان با سود سرمایه دار.

یعنی دولت برای اینکه وانمود کند هرچقدر رسد سرمایه دار بیشتر شود، "سود ویژه" یعنی به اصطلاح سهم کارگران؛ هم زیاد میشود، اعلام کرده است که سود ویژه تا ۲۰٪ سود خالص کارخانه است. (۱۲) در حالیکه کارگران جریان دیگری را مشاهده میکنند.

اولاً کارگران می بینند که محاسبه سود ویژه ای که به آنها داده میشود هیچ ربطی به مقدار سود کارخانه ندارد و مثلاً برابر چند ماه مزد کارگر و یا درصدی از مزد روزانه اوست کسی بعد از این ماهها یا درصد مزد روزانه را هم نه "سود سرمایه دار"

(۱۱) البته همانطور که گفتیم دولت حامی سرمایه داران اعتراف نمیکنند که "سود ویژه" قسمتی از مزد کارگران است.

(۱۲) ما این مسأله را هم بررسی کرده و روشن خواهیم کرد که چرا این به اصطلاح قانون باین ترتیب تنظیم شده است.



بلکه مبارزه کارگران تعیین میکنند .

ثانیا "کارگران که خود مستقيما" با توليد و مخارج آن و نيز قيمت فروش محصولات کارخانه سروکار دارند، براحتی میفهمند که سود کارخانه و سرمایه دار بسیار بیشتر از آن است که وانمود میشود . مثلاً به همین کارخانه سیتروئن نگاه کنیم . کارگری میگوید : "ما به عینه می بینیم که کارفرما از هر اتومبیل بین ۸ تا ۱۰ هزار تومان سود میبرد . " اگر سود خالص سرمایه دار را برای هر اتومبیل ۶ هزار تومان فرض کنیم ( که بیشتر از این است ) با توليد ۵۰ اتومبیل در روز میتوانیم سود خالص سرمایه دار را در یکسال حساب کنیم .

تومان سود خالص يك روز سرمایه دار =  $300000 = 6000 \times 50$

اگر تعداد روزهای را که در کارخانه در سال بتوليد مشغول است ۳۰۰ روز حساب کنیم سود خالص سرمایه دار در عرض یکسال میشود :

تومان  $90000000 = 300000 \times 300$

یعنی سود خالص سرمایه دار در عرض یکسال حداقل ۹۰ میلیون تومان است . با توجه به اینکه به کارگران فقط  $2/200/000$  تومان "سود ویژه" پرداخت شده است میتوانیم حساب کنیم که به اصطلاح سودی که به کارگران پرداخت شده چند درصد سود واقعی کارخانه است .

$$\frac{2/4}{24} = \frac{2/200/000}{90000000} = \frac{2}{4} \text{ با اصطلاح سود کارگران} \\ \frac{100}{100000000} \text{ سود واقعی کارخانه}$$

یعنی به اصطلاح سودی که به کارگران داده شده فقط  $2/4$  درصد سود کارفرما است . باین ترتیب کارگران اینسـ

کارخانه به راحتی میفهمند که به اصطلاح "سود ویژه" هیچ ربطی به سود کارخانه و بالا رفتن بهره‌وری و ... ندارد. چون آنها بدون آنکه بهره‌وری را بالا ببرند میتوانند برای بالا بردن مقدار "سود ویژه" مبارزه کرده و آنرا بر اساس همین قوانین ضد کارگری شه ساخته‌اند. ۲۰٪ سود واقعی کارفرما یعنی ۱۸ میلیون تومان (\*) بالا ببرند. آنها خیلی زود درک میکنند که "سود ویژه" هیچ ربطی به یاروهای دولت ضد کارگری شاه در مورد افزایش بهره‌وری و ... ندارد. چون اگر چنین قصدی در دادن "سود ویژه" مطرح بود، کارفرما میتواند اعلام کند که فلانقدر درصد (مثلاً ۲۰٪ یا ۱۰٪) از سود کارخانه را بشما میدهم و از شما انتظار دارم که بهره‌وری تولید کارخانه را بالا ببرید. نه اینکه بدون هیچ حساب و کتابی و بدون اینکه مقدار واقعی سود کارخانه را مشخص کنند، بگویند: "سود ویژه" برابر با و ماهه مزد کارگران است. و آنوقت کارگران هم اعتراض و مبارزه میکنند و کارفرما را مجبور نمایند که آنرا به سه ماه افزایش دهد و ...

برای روشن شدن ماهیت واقعی این توطئه سرمایه‌داران (سود ویژه) باید به واقعیت دیگری هم توجه کنیم. این واقعیت، مشکلات و بحرانهای ذاتی و علاج ناپذیر نظام سرمایه‌داری است.

در نظام سرمایه‌داری، ماهواره باینک سلسله‌وارانه‌های متوالی تورم - رکود - تورم - ... رو برو هستیم. یعنی در نظام سرمایه‌داری، پس از اینکه در یک دوره قیمت‌ها به سرعت

---

(\*) - تومان  $18 / 000 / 000 = \frac{20}{100} \times 90 / 000 / 000$